

18 سپتمبر 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

## زنان "سیاه پوش" طالبانی - محصول مدرسه "اشرف المدارس"



از سقوط کابل بدست طالبان امروز یک ماه میگذرد. در همان روزهای اول هجوم مردم به میدان هوایی کابل به مقصد ترک وطن اولین نشانه ای نارضایتی مردم از تسلط طالبان در افغانستان بود که به حیث یک رویداد تراژید ثبت تاریخ کشور گردید. هنوز این وضع با شدت بیشتر ادامه داشت که دومین عکس العمل مردم با برافراشتن بیرق های سه رنگ ملی سیاه، سرخ و سبز در برابر بیرق طالبان در کابل و دیگر شهرهای افغانستان موج عظیمی از همه اقشار مردم خاموشانه و صف های طویل به جاده های شهر ریختند. در عین زمان تعدادی از حامیان حقوق زن نیز به نوبه خود در برابر محدودیت ها و قیود طالبان بر زنان با استفاده از بیرق سه رنگ ملی خواهان حقوق حقه خویش گردیدند.

مسلم است که زنان افغان با ملاحظه تجارب تلخ از گذشته ای طالبان (بین سالهای 1996 تا 2001) اکنون در هراس میباشند که ادامه سلطه طالبان باز هم همان آش و همان کاسه خواهد بود و طالبان با جبری ساختن حجاب سر تا پا بار دیگر زنان را در کنج خانه محصور و از کار در اجتماع و تعلیم محروم خواهند ساخت و بر زندگی آنها شرایط دشوار و طاقت فرسا را تحمیل خواهند کرد. به همین دلیل تعدادی از حامیان حقوق زن در روزهای اول با شیوه های مدنی و مسالمت آمیز با لباس های مناسب و شعارهای معقول نخست در هرات و سپس در کابل به مقصد دفاع از حقوق حقه خود به راه پیمائی پرداختند. اما قوای ملیشائی طالبان با همان شکل و قیافه معمول مسلح با ماشیندار جلو زنان را گرفتند و مانع حرکت شان شدند. زنان با جسارت و شهامت قابل وصف خواستند به راه

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

خود ادامه دهند که متأسفانه روز بعد درهرات با برخورد مسلحانه طالبان روبرو شدند و یکی دو شهید دادند. در کابل در روزهای بعد نه تنها بر تعداد زنان افزوده شد، بلکه لحن شعارهای شان نیز کسب شدت کرد و روزهای بعد حضور مردان جوان نیز به حمایت از زنان بیشتر گردید که باز هم با شدت عمل طالبان مواجه شدند.

با گسترده شدن حرکت زنان و با هم‌نوائی مردان عکس العمل طالبان صحنه ای دیگر در کابل به نمایش گذاشته شد که قبلاً نظیر نداشت. طالبان تعدادی زیاد زنان را با لباس سرتا یا پوشیده به رنگ سیاه نخست در تالار پوهنتون تعلیم و تربیه در کابل جابجا شدند و چند نفر آنها روی سٹیج تالار که قبلاً برای سخنرانی شان آماده شده



بود، رفته و به نوبت به ایراد بیانیه های خود پرداختند که متأسفانه محتوای بیانات شان به تفصیل به نشر نرسید، ولی اینقدر واضح بود که هریک از حجاب اسلامی خاصه خود شان و آنچه در مغز و ادراک طالبان از شریعت اسلام در مورد زنان بود مبنی بر لزوم جدا سازی محیط درسی و کار زنان و غیره به حیث پایه های حقوق زن در اسلام و بزعم خود شان تطبیق شریعت سخن گفتند و در عین زمان بروضه موجود زنان و نحوه لباس و محیط مشترک کار و درس به شدت انتقاد کردند و آنرا غیر اسلامی خواندند. پس از ختم این برنامه جمعیت سیاه پوشان به قسم منظم شبیه یک رسم گذشت به یکی از جاده های شهر کابل آغاز به راه پیمائی کردند که تماشای آن مردم را به بهت و تعجب واداشت. در این موقع نظامی های - ملیشائی گونه ای طالبان در دور طرف صف های زنان سیاه پوش قرار گرفته و از آنها حمایت میکردند تا آنها بدون اخلال و دغدغه به راه پیمائی خود ادامه دهند.

حضور زنان سیاه پوش با همچو سرو وضع با کنجکاوی زیاد این سؤال را در ذهن اکثر پدید آورد که دفتراً این گروه چگونه تشکیل بوسیله طالبان بسیج شدند و فوری به حیث گروه مخالف در برابر زنان حامی حقوق مدنی به فعالیت آغاز نمودند. بعضی ها این پدیده را نوظهور دانسته و یکی از تکنیک های جدید طالبان و مشاوران بیرونی شان می پنداشتند تا بدانوسیله زنان کشور را یکی در برابر دیگر قرار دهند و آتش عنعنه و تجدد را بار دیگر برافروزند و زیر نام شریعت و دین به تعبیرهای خود ساخته خویش سد راه مبارزان حقوق مدنی زنان در جامعه شوند.

مردم شاید از یاد برده باشند که عناصر طالبانی به تربیت همچو زنان سیاه پوش در بعضی از مراکز ولایات کشور سالها قبل اقدام نموده بودند و ثمره آنرا در این روزها رسماً به نمایش گذاشتند. برای وضوح بیشتر این موضوع به یکی از گزارش های بی بی سی استناد میکنم که بتاریخ اول مارچ 2014 یعنی بیش از هفت سال قبل از امروز تحت عنوان: «دختران سیاه پوش با افکار تندروانه در شمال افغانستان» توسط ملیار صادق به نشر رسیده بود که پرده از روی فعالیت مدرسه بنام «اشرف المدارس» در ولایت کندز برمیداشت.

اینجانب با مطالعه گزارش مذکور فوری مقاله نوشتم تحت عنوان "داعیه درباره حقوق زن" که در همان روز یعنی بتاریخ اول مارچ 2014 در پورتال وزین افغان جرمن آنلاین اقبال نشر یافت. در این مقاله پس از ذکر مطالبی در ارتباط با حقوق زنان در کشور متن گزارش بی بی سی را در مورد زنان سیاه پوش عیناً اقتباس و درج مقاله خود نمودم. اینک همان گزارش را بار دیگر جهت مزید معلومات هموطنان در ارتباط با حضور زنان "سیاه پوش" کنونی و سوابق تشکیل آن طی سالها قبل در مدرسه بنام "اشرف المدارس" در شهر کندز تقدیم میدارم:

د پانوی شمیره: له 2 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

متن گزارش:

## دختران سیاه پوش با افکار تندروانه در شمال افغانستان

گزارشگر: ملیار صادق آزاد  
بی بی سی: 28 فبروری 2014



این دختران شنیدن رادیو، دیدن تلویزیون، گرفتن عکس، بزرگداشت از روزهای معلم، مادر، سال نو، سالگرد تولد و همچنین کارکردن زنان در بیرون از خانه را حرام می‌دانند. ترویج اندیشه‌های تندروانه اسلامی در یک مدرسه دینی دخترانه در شمال افغانستان، نگرانی‌هایی را در مورد گسترش بنیادگرایی در میان زنان جوان افغان ایجاد کرده است.

براساس یافته‌های بی‌بی‌سی، آموزش‌های دینی در "اشرف المدارس" قندز {کندز} آمیخته با سیاست و مغایر با فرهنگ و سنت‌های رایج در افغانستان است؛ از جمله شاگردان آن شنیدن رادیو، دیدن تلویزیون، گرفتن عکس، بزرگداشت روزهایی مانند روز معلم، مادر، سال نو، تولد و نیز کارکردن زنان در بیرون از خانه را حرام می‌دانند.

شیوه آموزش، نحوه پوشش و تعبیر شاگردان این مدرسه از دین، نگرانی‌های بسیاری را در بیرون آن برانگیخته و این سوال را مطرح کرده که مسئولان آن چه اهدافی را دنبال می‌کنند و مبنای قانونی آن از چه قرار است؟  
**'تو کافر شدی!'**

مدرسه "اشرف المدارس" توسط مولوی عبدالخالق و مفتی سراج‌الدین از ملاهای بانفوذ ولایت قندز، چهارسال پیش بنیان‌گذاری شده و در حال حاضر شش هزار دختر در آن درس می‌خوانند. به گفته گردانندگان اشرف المدارس، این مدرسه شاخه‌هایی هم در تخار و بغلان دارد و قرار است که در ۹ ولایت دیگر از جمله کابل پایتخت نیز شعبه ایجاد کند.



خانم گیاه می‌گوید دخترانی که در این مدرسه درس می‌خوانند، بسیار پرخاشگر اند.

به باور فعالان مدنی در ولایت قندوز، تفسیر و تعبیر دانش آموزان اشرف المدارس از دین، سخت‌گیرانه، غیرمعمول و خلاف برداشت‌های موجود از اسلام در افغانستان است.

"تو کافر شدی" و "این حرام است" دو عبارتی است که به گفته فعالان حقوق زن، شاگردان این مدرسه از آنها به عنوان حربه‌ای در برابر دیگران استفاده می‌کنند.

نادره گیاه، رئیس امور زنان ولایت قندز می‌گوید: "دخترانی که در این مدرسه درس می‌خوانند بسیار پرخاشگراند. در یک مراسم یا مجلس با زنان و دختران دیگر جنگ می‌کنند، می‌گویند تو کافر شدی، چرا چادر از سرت پائین افتاد؟ چرا لباس اسلامی نیست و یا تو نماز را درست یاد نداری."

به گفته شماری از فعالان مدنی این ولایت، در این مدرسه به دانش آموزان، گفته می‌شود که کارکردن زنان در خارج از منزل حرام است و زنانی که در رادیو و تلویزیون کار می‌کنند، کافر اند.

خانم گیاه فعالیت‌های این مدرسه را تهدید بزرگی برای کارکنان موسسات، رسانه‌ها و فعالان مدنی قندوز می‌داند: "وقتی این‌گونه تعلیم ترویج پیدا کند و این دختران چنین آموزش ببینند و همه را کافر بدانند، دیگران نمی‌توانند آزادانه کار کنند و در اجتماع حضور یابند."

د پانیو شمیره: له 3 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په څیر و لولئ

اما مولوی عبدالخالق، رئیس اشرف‌المدارس، هدف از ایجاد این مدرسه را آگاه ساختن دختران از تعالیم و تاریخ دین اسلام می‌خواند: "در ابتدای اسلام دختران مسلمان فعالیت‌های دینی بسیار می‌کردند حتی در بعضی غزوات (جنگ‌های پیامبر اسلام) اشتراک می‌کردند. از این فعالیت‌ها، ما مسلمانان عقب مانده بودیم. این انگیزه باعث شد که ما خواستیم در بخش آموزش‌های دینی همکاری کنیم تا زنان و دختران مسلمان افغانستان دوباره به اوج غیرت و شهامت خود برسند".

### پوشش متفاوت

پوشش شاگردان اشرف‌المدارس نیز متفاوت است.

چشم، سر و صورت کاملاً پوشیده، دست‌کش، جوراب، و کفش‌های بدون پاشنه، جزء لباس فرم شاگردان این مدرسه است.



مولوی عبدالخالق مخالفت‌ها با این مدرسه را ناشی از عدم آگاهی و متأثر از کشورهایایی می‌داند که می‌خواهند مسایل دینی در افغانستان کم رنگ شود. آنها از حجابی استفاده می‌کنند که قبلاً در افغانستان پیشینه نداشته است. به این دلیل در میان مردم به ویژه معلمان و دانش‌آموزان سایر مکاتب به 'خیمه پوشان' شهرت یافته‌اند.

برخی از شاگردان این مدرسه دینی، همزمان در مکاتب دیگر نیز درس می‌خوانند، آنها یونیفورم دانش‌آموزان دختر مکاتب عمومی را غیراسلامی می‌دانند و با یونیفورم اشرف‌المدارس به مکتب می‌روند.

وژمه قادری، معلم یکی از مکاتب دخترانه در قندز می‌گوید که در برخی موارد اختلاف‌های سلیقه‌ای این شاگردان با دیگران درباره مسایلی چون گرامیداشت روز معلم و اعتراض به نحوه پوشش آنها، تا سرحد برخورد فیزیکی پیش می‌رود.

او می‌افزاید: "دختران این مدرسه وقتی معلم یا شاگردی را می‌بینند که لباس آزادتر پوشیده، یا موهای‌شان دیده می‌شود، اعتراض می‌کنند و می‌گویند تو کافر شدی! یا چرا لباست تا زانو است و تا ساق پایت نمی‌رسد؟ چرا بلند می‌خندی؟ معلمین در برابر گستاخی و بی‌ادبی آنان هم متأسفانه چیزی گفته نمی‌توانند".

مصاحبه با رسانه‌ها و ارائه هرگونه اطلاعات در مورد اشرف‌المدارس برای شاگردان این مدرسه ممنوع است اما یکی از شاگردان این مدرسه به شرط فاش نشدن نامش در گفت‌وگویی با بی‌بی‌سی از اهداف این مدرسه و نوع قرانت دینی رایج در آن دفاع کرد.

او گفت: "اگر یک چاکلیت (شکلات) پوش نداشته باشد، هر مگسی بالای آن می‌نشیند. اما اگر یک چاکلیت پوش داشته باشد بهتر محافظت می‌شود. بنابراین حجاب یک زن مثل یک پوش برای چاکلیت است. یک زن مثل یک باغ است که اگر گرد آن دیوار نباشد گل‌های آن به یغما برده می‌شود. حجاب زن مثل همان دیوار برای محافظت از او است. دلیل افزایش بداخلاقی، فحشا و فساد، بی‌حجابی است که زیاد شده".

این دانش‌آموز قبل از رفتن به مدرسه، دانشجوی یک دانشگاه خصوصی بوده اما مدرسه طرز فکر او را تغییر داده است: "قبلاً من هم لباس‌های کوتاه و چسپ که شایسته یک خانم مسلمان نیست می‌پوشیدم. حالا فهمیدم و از حقیقت اسلام آگاه شدم و می‌دانم که مناسب نیست یک دختر مسلمان در هر مجلس بنشیند و خنده و شوخی‌کند".

روزهای پنجشنبه و جمعه، علاوه بر شاگردان دائمی، دوره‌های آموزش دینی برای هزاران زن و دختر از اقشار مختلف در این مدرسه دایر می‌شود.

پوشش این زنان و نحوه برخوردشان در اجتماع نیز مشابه با شاگردان دائمی مدرسه است.

خانم زبیده دانشجوی یکی از دانشگاه‌های خصوصی در قندز می‌گوید: "دانشجویانی که به این مدرسه می‌روند، به این باور اند که حضور استاد مرد در صنف/کلاس کفر است. آنان با حجاب مدرسه که سر تا پا پوشیده است به دانشگاه می‌آیند و اصرار دارند که استاد مرد نباید به طرفشان نگاه کند. مثلاً اگر استاد سوالی از آنها می‌پرسد باید رو به تخته ایستاد شود و بپرسد. چند بار در این مورد با استادان درگیر شدند. ما لباس‌های عادی می‌پوشیم، یعنی چادر و کورتی/مانتو و پتلون/شلوار. آنها به ما می‌گویند که شما مثل آمریکایی‌ها هستید و لباس‌تان کفری است".

د پانوی شمیره: له 4 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

مولوی عبدالخالق اما می‌گوید کسانی که با این مدرسه مخالفت دارند از سوی منابع بیرونی حمایت می‌شوند: "مخالفت‌های شان از عدم آگاهی است و یا اینکه متاثر از کشورهای هستند که می‌خواهند در افغانستان مسایل غیردینی رشد کند و مسایل دینی کمرنگ شود. در کل از طرف آنها تحریک می‌شوند." او ادعا می‌کند حجابی که آنها برای شاگردان مدرسه در نظر گرفته حتی بر اقتصاد ولایت قندوز نیز تاثیر گذاشته و "حالا مغازه‌های زیادی در این ولایت این نوع حجاب را می‌فروشند".

**منظره مرگ**



شکیبا هاشمی: "دخترانی که در اشرف المدارس درس می‌خوانند بسیار گوشه گیر و از اجتماع دور شده‌اند." در ولایت قندز ۳۰ مدرسه دولتی برای آموزش علوم دینی نیز فعالیت دارند. در این مدارس هشت هزار دانش آموز از جمله دو هزار دختر، درس می‌خوانند. شاگردان اشرف المدارس، با مدارس دولتی به شدت مخالف هستند و بر این باور اند که در این مدارس، احکام دین به صورت کامل تطبیق نمی‌شود. مسئولان اشرف المدارس هم می‌گویند که آنها نصاب تعلیمی خود را با استفاده از کتاب‌هایی که در کشورهای ایران، پاکستان و بعضی از کشورهای عربی چاپ می‌شوند، تدوین کرده‌اند. کتاب‌هایی چون منظره مرگ، عذاب قبر و زیور بهشت از عمده‌ترین منابع درسی در این مدرسه است. معلمان مکاتب و مدارس دولتی در قندز ابراز نگرانی می‌کنند که خواندن این کتاب‌ها، بسیاری از شاگردان این مدرسه را با مشکلات روانی دچار کرده و علاقه آنها به زندگی را از بین برده است. شکیبا هاشمی رئیس مدرسه دولتی المومنات در قندز که ۵۰۰ دانش آموز دختر در آن درس می‌خوانند، می‌گوید: "دخترانی که در اشرف المدارس درس می‌خوانند، بسیار گوشه گیر و از اجتماع دور شده‌اند. در مجالس و عروسی‌ها اشتراک نمی‌کنند. با کسانی که عضو گروه‌شان نباشند یا در همان مدرسه درس نخوانند، رفت و آمد ندارند. زمانیکه کسی همراهشان حرف بزند، فوراً او را کافر می‌خوانند و فتوای عجیب و غریبی صادر می‌کنند." به گفته خانم هاشمی شاگردان اشرف المدارس حتی در مواردی او و دیگر شاگردان مدارس دولتی را کافر خوانده‌اند: "حتی دختران کاکایم (عمویم) که خیلی با من صمیمی بودند، پس از شامل شدن در این مدرسه رفت و آمد را با ما و تمام فامیل قطع کردند. دلیل شان این است که شما کافر هستید و ما مسلمان. می‌گویند شما به عروسی‌ها اشتراک می‌کنید و ما نمی‌کنیم. نمازی که شما می‌خوانید غلط است و نمازی که ما می‌خوانیم درست." یکی از انتقادهای این شاگردان به مدارس دولتی این است که در آنجا استادان مرد در کلاس‌های دختران تدریس می‌کنند. به عقیده اینها، استادان مرد حق ندارند رو در رو با شاگردان دختر صحبت کنند و یا به آنها درس بدهند بلکه باید از میان غرغه و یا از پشت پرده به شاگردان تدریس کنند.

د پانوی شمیره: له 5 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

دین محمد از استادان اشرف المدارس می‌گوید: "اگر استاد مرد به دختران تدریس کند، از لحاظ شرع باید با آنها مخلوط نباشد. هرچه قدر آنها حجاب داشته باشند، در صنف برای خواندن درس چشم‌های شان باز است و این موضوع در شرع مورد اختلاف است که آیا چشم هم عورت است یا نه؟ برای همین ما از داخل غرفه و از کلکین (پنجره) کوچکی که در آن پرده نصب شده به شاگردان درس می‌دهیم".

#### راز پشت پرده

داستان ازدواج مفتی سراج‌الدین، از استادان و بنیان‌گذاران مدرسه اشرف‌المدارس، با شاگرد نوجوان این مدرسه حکایت از رازهای پشت پرده این مدرسه دارد.

عبدالمعروف: "نظم این مدرسه نظامی‌ست و کودکانی که بی‌نظمی کنند و بهتر نیاموزند مورد سرزنش قرار می‌گیرند".

مسئولان مدرسه به این سوال پاسخ نگفتند که چگونه و چرا مفتی سراج که صاحب چند فرزند است، دومین همسرش را از میان شاگردان نوجوان همین مدرسه انتخاب کرده است؟

اما یکی از مسئولین این مدرسه به صورت غیررسمی گفت که ازدواج مفتی سراج‌الدین با این دانش آموز بر اساس رضایت طرفین و خانواده دختر صورت گرفته است.

عطاءالرحمان بابر، از چهره‌های جهادی و با نفوذ قومی در قندز، در اعتراض به این ازدواج، مانع ادامه تحصیل دخترش در این مدرسه شده است.

او می‌گوید: "من اعتراض کردم. گفتم شما اشتباه کردید. پدری که دخترش را فرستاده، اعتماد کرده. معلم را به عنوان پدر معنوی پنداشته. چگونه می‌تواند با او عروسی کند؟ آنها با همین جرات برایم گفتند که معلم هرگز پدر شده نمی‌تواند. دختر رضایت داشته، طرفین موافق بودند، سن و سال مهم نیست".

به گفته آقای بابر او و دیگر شهروندان قندز با این امید که دختران‌شان علم دین بیاموزند، آنها را به این مدرسه فرستادند.

او با انتقاد از اشرف المدارس گفت: "اینها حتی بزرگداشت از تولد پیامبر اسلام را گاهی رد می‌کنند. روز مادر را رد می‌کنند. جامعه مدنی را رد می‌کنند. ما افغانها سال‌های سال فاتحه‌خوانی داشتیم اما این‌ها حتی فاتحه‌خوانی را رد می‌کنند. هیچ کسی هم مانع شان شده نمی‌تواند چون منبر و مسجد و آیات و حدیث به دست آنها است. اگر روزی بر سر منبر بالا شوند و یک تعداد را کافر بخوانند، ما چه کرده می‌توانیم!؟"

در مواردی نیز دیده شده است که شاگردان مدرسه در مراسم فاتحه‌خوانی و تشییع جنازه، در برابر مصیبت‌دیدگان ایستاده و به آنها هشدار داده‌اند که اگر اشک بریزند، کافر می‌شوند.

آنان عروسی‌شان را نیز با تلاوت قرآن و طرح سوالات مذهبی برگزار می‌کنند.

به گفته برخی از اعضای جامعه مدنی در قندز، شاگردان این مدرسه در پشت کارت‌های دعوت عروسی می‌نویسند: "عروسی بر اساس شریعت اسلامی". آنها موسیقی، رقص و پایکوبی و نشستن عروس و داماد در کنار هم در مراسم عروسی را حرام می‌دانند.

اما شکایا هاشمی که خود دوره‌های آموزش اسلامی را گذرانده، دلیلی برای مخالفت با شادی در عروسی‌ها از نظر دینی نمی‌بیند: "خوشی در میان زنان در اسلام حرام نیست. پیامبر اسلام فرموده شما آنقدر صدای نکاح‌تان را با خوشحالی بلند بسازید که تمام اهالی از آن با خبر شوند، در اینجا میزان خوشحالی را ذکر کرده است. اما اینها با این نظر موافق نیستند. عروسی‌شان را با تلاوت و تبلیغ برگزار می‌کنند. عروس را هم با تلاوت 'آهسته برو' (نام آهنگ ویژه مراسم عروسی در افغانستان) می‌کنند".

افزون بر شاگردان بزرگسال، حدود ۸۰۰ کودک زیر ده سال نیز در یکی از بخش‌های اشرف المدارس درس می‌خوانند که حدود ۲۰۰ تن از آنان دختر هستند.

استادان این مدرسه در میان کودکان می‌نشینند و برای تنبیه و تادیب، چوب و یا خطکش با خود دارند. عبدالمعروف از مسئولان مدرسه می‌گوید که "نظم این مدرسه نظامی‌ست و کودکانی که بی‌نظمی کنند و بهتر نیاموزند مورد سرزنش قرار می‌گیرند".

وزارت معارف/آموزش و پرورش افغانستان تایید می‌کند که برخی از مدارس در ولایت قندز با ترویج افراط‌گرایی، همزیستی مسالمت آمیز را در جامعه با مشکل روبرو کرده‌اند.

شفیق صمیم، معاون آموزش‌های اسلامی در وزارت معارف هرچند حاضر نشد در مورد این مدرسه سخن بگوید اما پذیرفت که برخی از مدارس در قندز برخلاف نصاب تعلیمی نظام معارف افغانستان تدریس و فعالیت می‌کنند.

او تصریح کرد: "بعضی مدارس در قندز به شکل تشددآمیز (تندروانه) به شاگردان تدریس می‌کردند. مثلاً به شاگردان گفته شده بود که کسی که نماز نمی‌خواند کافر است. درحالی‌که شریعت کسی را که نماز نمی‌خواند کافر نمی‌پندارند و تنها منکر نماز را کافر می‌دانند. یک شاگرد این مدرسه به مادر خود گفته بود که شما چند روز است که نماز نمی‌خوانید بنابراین کافر شدید".

#### منابع مالی مدرسه

سوال بی‌پاسخی که ذهن بسیاری از شهروندان قندز را به خود مشغول کرده، این است که این مدرسه خصوصی با بیشتر از شش هزار دانش‌آموز، از کجا و چگونه تمویل می‌شود؟



خانم شهرزاد اکبر می‌گوید اگر این مدارس قانونی و رسمی نشوند و نصاب آنها مطابق نظام معارف افغانستان تهیه نگردد، تجربه مصر در این کشور تکرار خواهد شد. مفتی سراج‌الدین از موسسان اشرف‌المدارس هنگام تهیه این گزارش در ترکیه و کشورهای عربی به سر می‌برد. اما مولوی عبدالخالق مسئول این مدرسه می‌گوید که مصارف آنها را شاگردان مدرسه با فروش زیورآلات خود تمویل می‌کنند. او در این باره توضیح می‌دهد: "آنان گوشواره، انگشتر و حلقه‌های نامزدی و دیگر طلاهایشان را می‌فروشدند و به مدرسه کمک می‌کنند. تا حدی که به هزینه ۲۰ هزار دالر آمریکایی ما برای یکی از شاخه‌های مدرسه زمین خریداری کردیم و به هزینه ۱۲ هزار دالر ساختمان اعمار کردیم. مصرف همه اینها را همین دختران فداکار ما می‌دهند".

به گفته مولوی عبدالخالق شمار شاگردان این مدرسه در حال افزایش است: "علما از ۹ ولایت آمدند و از ما برنامه گرفتند تا به همین شکل مدارس را در ولایت‌های خود گسترش دهند. حتی چند وقت پیش یکی از شاگردان خواهر ما که به کانادا عروسی کردند، زنگ زد و گفت که در آنجا مدرسه باز کردند و همین مضامین و برنامه‌ها را به افغان‌های مهاجر می‌آموزند".

گسترش دامنه فعالیت این مدرسه، فعالان جامعه مدنی را نگران ساخته است.

خانم شهرزاد اکبر در این باره می‌گوید که اگر این مدارس قانونی و رسمی نشوند و نصاب آنها مطابق نظام معارف افغانستان تهیه نگردد، تجربه مصر در افغانستان تکرار خواهد شد.

او می‌افزاید: "اینها با یک برنامه بیرونی و با یک تفسیر بسیار قشری و سخت‌گیرانه از دین وارد جامعه می‌شوند و آرام آرام یک نیروی اجتماعی را تولید می‌کنند که مخالف پیشرفت، تغییر، بهبود، قانونمداری و ارزش‌های دموکراتیک است. امروز بخشی از کسانی که فعالیت‌های تروریستی را در افغانستان انجام می‌دهند، به اصطلاح در مدرسه‌ها تربیت می‌شوند و از یک روند ذهن‌شویی می‌گذرند که آنها را تشویق به انتحار و کشتار می‌کند".

این فعال مدنی معتقد است که اگر جلو فعالیت چنین مدارسی گرفته نشود، این احتمال وجود دارد که همانند برخی از کشورهای عربی، شاگردان این مدراس نیز تلاش کنند تا عقیده خود را بر سایر اقشار جامعه تحمیل کنند. به گفته او تفسیر آنها از دین در تضاد با فرهنگ جامعه و برداشت معتدل از دین قرار دارد: "وقتی تعبیرهای غلط، جانبدارانه و زن‌ستیزانه از دین صورت می‌گیرد، اولین و بزرگترین قربانی زنان هستند. حقوق اسلامی، حق کار، آموزش، سیاست ورزیدن و آزادی‌های مدنی شان محدود می‌شود".

بر اساس آمار وزارت معارف، هم اکنون ۲۵۰ هزار نفر در ۱۱۰۰ مدرسه مربوط به این وزارت، آموزش‌های دینی می‌بینند که ۱۵ هزار تن از این افراد دختر هستند.

وزارت معارف تایید می‌کند که ۱۳۰۰ مدرسه دینی ثبت نشده در کشور فعال است. علاوه بر این یک نهاد اسلامی به نام جمعیت اصلاح نیز صدها مدرسه دخترانه و پسرانه را در ولایت‌های کابل، هرات، ننگرهار و بلخ تاسیس کرده که حدود چهار هزار تن در آنها درس می‌خوانند. (پایان گزارش)

(متن فوق عیناً اقتباس از گزارش بی بی سی بوده و هیچ نوع تصرف در متن آن از طرف اینجانب صورت نگرفته است.)

در آنوقت پس از مطالعه این گزارش مبسوط و مستند با تحیر و تعجب این متن را در یک قسمت مقاله خود نوشتم: ما از یک سو داد از حقوق زن می‌زنیم و آنرا یکی از دست آوردهای مهم این دهه اخیر میدانیم و تلاشهای ممتد ملی

د پانوی شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

و بین المللی را در راستای حقوق زنان در کشور به راه می اندازیم و اما از طرف دیگر می گذاریم تا بستر فشار و محدودیت بر حقوق زنان آنهم با استفاده از نام دین و از یک مرکزی اسلامی زیر نام "مدرسه" بیشتر و عمیق تر گسترش پیدا کند. نمیدانم که پالیسی واقعی دولت در کدام سمت در حرکت است: درست حمایت از حقوق زن یا درست مخالف آن؟ آیا دولت از مسائلی آگاه نیست که در "اشرف المدارس" چه میگذرد؟ آیا دولتمردان ما نمیدانند که نفوذ افکار طالبی هم به شیوه "دیوبندی" و هم زیر سیطره "وهابیت" که هر دو در مورد زنان بیک مسیر در حرکت اند، در یکی از ولایات مهم کشور زمینه های با پرورش خشونت علیه زنان را مساعد می سازند؟ آیا فعالیتهای همچو مراجع، زنان کشور را که باید در راستای دفاع از حقوق شان در یک صف واحد قرار گیرند، به دو دسته گی و در عین زمان به مخالفت جدی با یکدیگر نمی کشاند و جدال را در بین این طبقه دامن نمی زند؟ آیا اینکار تبر مردان محافظه کار و عنعنه گرای افغان را دسته نمیدهد و بنیان جامعه "مردسالار" را بیش از پیش تقویه نمیکند تا نصف نفوس کشور را در چهار دیوار خانه محصور و زندانی سازند و جلو هر نوع تحول مثبت و سالم را در زمینه بگیرند؟ آیا فکر نمیشود که دست دراز حلقه های بیرونی در تمویل همچو مدارس و روی اهداف خاص در فعالیت است تا بار دیگر مصیبت های دهه نود قرن گذشته را در کشور بار آورند؟ کدام عقل سلیم قبول کرده میتواند که مصارف این گونه مدارس را شاگردان آن با فروش "زیورات" خود متقبل و منابع مالی آنرا تدارک نمایند؟ آیا دولت گاهی از گرداندگان این مراکز در باره

چگونگی تمویل مدارس شان پرسیده است؟

در ادامه آن مقاله نوشتم: متأسفانه تا جائیکه دیده میشود پالیسی دولت به قول معروف «هم به میخ و هم به نعل» زدن است. رئیس جمهور کرزی در مورد خانم محترمه خود از اصول طالبی پیروی میکند و این خود به مردان مثل او جرأت میدهد تا با تأسیس مراکز همچو «اشرف المدارس» سد عظیم و خطیر را در مسیر اعاده حقوق زن در کشور استحکام بخشند و مانع ورود تحول مثبت و سالم بر مقتضای عصر و زمان گردند و ارا به های تاریخ را بار دیگر به عقب بکشاند. (شرح مزید دیده شود: مقاله "داعیه درباره حقوق زن" - از این قلم، منتشره پورتال افغان جرمن آنلاین، مورخ اول مارچ 2014)



(کاریکاتور "کرزی و طالب" محصول کار کارتونیست مشهور افغان آقای شاهد است که روز قبل مورخ 17 سپتمبر 2021 در فیسبوک انتشار یافت. واقعاً حامد کرزی رئیس جمهور آنوقت کشور بعد از اینکه روابطش پس از انتخابات 2009 با ایالات متحده امریکا پرتنش شد، روی بسوی طالبان آورد و زمینه ها را برای فعالیت شان بیشتر مساعد ساخت. متأسفانه اشرف غنی نیز به دلیل موجودیت "حکومت دوسره" و فشارهای وارده از جانب مقامات امریکائی مبنی سازش با طالبان نتوانست اقدام مناسب برای جلوگیری از فعالیت های آشکار و پنهان طالبان در داخل کشور گردد.)

د پانیو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ